



انتقاد امیر متوسلیان از اظهارات بی‌اساس درباره سرنوشت برادرش

تغییر موضع سپاه درباره وضعیت حاج احمد

سه‌شنبه ۱۵ فروردین ۱۴۰۲ - ۱۳ رمضان ۱۴۴۴ - ۳ آوریل ۲۰۲۳

شهدا

روزنامه

روزنامه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران



تبعیدیان لهستانی در ایران چه می‌کردند؟

مهاجران اروپایی در سرزمین پارس

سال هشتم - شماره ۲۱۴۹ - ۸ صفحه - قیمت ۲۰۰۰ تومان

ترمیم کابینه در غیاب نظارت مجلس پر دولت

استعفا به جای استیضاح

همدلی | مطالبه تغییر کابینه هم در بین اصولگرایان و هم در بین نمایندگان مجلس فروردین ماه سال گذشته علنی و جدی شد.

یک فعال صنفی فرهنگی در گفتگو با همدلی:

جانشین وزیر آموزش و پرورش از او قوی‌تر نیست

نمایندگان ایران واسطه رفع اختلافات سوریه و ترکیه می‌شوند

بازگشت دیپلماسی ایران به خاورمیانه

شمارش معکوس برای پایان جنگ یمن

دنوپک؛ تهدید آمریکایی علیه کشورهای نفتی

«تخت جمشید» ر کورددار بیشترین بازدید نوروزی

لحن تند وزارتخانه‌های آموزشی به دانش‌آموزان و دانشجویان درباره حجاب؛

ناتوان از فرهنگ‌سازی، دست به دامن تهدید



پرونده‌ای پیچیده‌تر از قاچاق مواد مخدر

حاشیه‌های لیلا و برادرانش

سورگانه

مشکل آموزش و پرورش وزیر نیست



فضل‌الله یاری

نماینده

آموزش و پرورش در سه دهه اخیر، بیش از آن که وزارتخانه‌ای برای تربیت کادر اداره کشور به نظر برسد در نگاه برخی متولیان کشور به «معضل» شبیه‌تر است تا یک نهاد ساختاری. رفت‌وآمد دولت‌ها و تغییر بی‌دری وزرای این وزارتخانه عریض و طویل هیچ تغییری در وضعیت آن ایجاد نکرده است؛ چنانچه تغییرات دولت‌ها و متولیان امور نظامی هیچ تأثیری در وضعیت صنعت هسته‌ای و موشکی کشور ایجاد نکرده است. این مقایسه از آن نظر انجام شده تا مشخص شود که وضعیت کنونی آموزش و پرورش کارنامه جمهوری اسلامی است، نه دولت‌های اصلاحات، بهار، تدبیر و امید و دولت سید محرومان. (البته این گزاره سبب پوشاندن ضعف‌های ساختاری دولت سید ابراهیم رئیسی نخواهد بود؛ دولتی در که نیمه راه بارها با فشار افکار عمومی، نمایندگان مجلس و هواداران خود مجبور به ترمیم خود شده است.)

شرح در همین صفحه

یادداشت‌ها

ناکارآمدی تمام عیار



محمدجواد پهلوان

مدرس دانشگاه

از کرونا تا بی‌حجابی



حسن دادخواه

مدرس دانشگاه

ناصر ایمانی، تحلیلگر اصولگرا:

مشکل اصلی دولت روحیات رئیسی است

دولت رئیسی از روز نخست ابهام‌هایی را با خود حمل می‌کرد، از جمله اثرپذیری از برخی جریان‌های تندرو اصولگرا، فقدان ایده، فقدان فرم اقتصادی قابل تحلیل و تمرکز بر تعدادی از چهره‌های نزدیک به خود که چندان هم به نفع دولت کار نکرده‌اند. با این وجود دولت تاکنون ساختار خود را حفظ کرده و تغییری در جزو و کل آن دیده نمی‌شود. در کنار آن وضعیت جامعه نیز به همین شکل بدون تغییر و بر مدار تورم و گرانی و چالش‌های اجتماعی در پیش است. ناصر ایمانی، فعال سیاسی اصولگرا، درباره تأثیر جبهه پایداری بر تصمیم‌گیری‌های دولت به انتخاب گفت: من تصور می‌کنم مشکل اصلی دولت ما تأثیرپذیری از یک جریان نیست. مشکل اصلی دولت ما این است که در تصمیم‌گیری خیلی سخت برخورد می‌کند یا به تعبیری اساساً تصمیم نمی‌گیرد؛ یعنی دولت مشکل تصمیم‌گیری در سطح کلان دارد. مسلماً طیف‌های مختلف سیاسی بر دولت تأثیرگذار هستند از جمله پایداری، اما مشکل اصلی بی‌تصمیمی دولت است. وی در ادامه نسبت به علت فقدان تصمیم‌گیری در دولت افزود: به نظر من ناشی از روحیات شخص آقای رئیس‌جمهور است. ایشان در تصمیم‌گیری باید سریع‌تر از این برخورد کنند و اساساً یک تصمیم بگیرند. بی‌تصمیمی مشکل بزرگی برای دولت است و هیچ تغییراتی در سطوح مختلف دولت در یکسال اخیر نداشته‌ایم که ناشی از روحیه عدم تصمیم‌گیری است. بسیاری از طرح‌ها نیز آمده است و بدون تصمیم رها شده است. مثلاً اخیراً گفتند می‌خواهیم سازمان بازرگانی زیر نظر رئیس‌جمهور درست کنیم اما کارها رها شد. هزینه فقدان تصمیم‌گیری برای دولت بسیار زیاد است. ایمانی سپس درباره کم‌توجهی رئیس‌جمهور نسبت به وضعیت آشفته جامعه در حوزه اقتصاد و سیاست اشاره کرد: من اطلاعی از چگونگی وضعیت جامعه ندارم اما به هر حال دولت باید جسارت تصمیم‌گیری قاطع داشته باشد. الان مدت‌هاست یک موضوع مطرح است که برخی مقامات دولت می‌خواهند عوض شوند اما هنوز هیچ خبری نیست؛ بروز این شایعات اصلاً خوب نیست. بالاخره آقای رئیسی وقتی رئیس‌جمهور شدند سابقه کاری در قوه مجریه را نداشتند، البته برخی رئیس‌جمهورهای دیگر نیز این وضعیت را داشتند، اما بعد از مدتی که فعالیت کردند مدیران ناکارآمد خود را عوض کردند. الان یکسال و نیم از دولت رئیسی می‌گذرد اما هیچ خبری از تغییر نیست؛ یعنی همه انتخابات‌های رئیس‌جمهور درست بوده است؛ اینگونه نیست؛ وزارت رفاه ما چند مدت طول کشید تا به یک وزیر برسد؛ ایمانی در پایان درباره سردرگمی دولت نسبت به حل بحران‌های اقتصادی گفت: بسیاری از تولیدکنندگان اجازه افزایش قیمت ندارند در حالی‌که قیمت‌ها بالا رفته است؛ اگر این‌ها بخواهند با قیمت دستوری تولید کنند به مرور تولیدشان متوقف می‌شود؛ این مسئله ناشی از سردرگمی دولت در مواجهه با تورم است و تصور می‌کنند کنترل تورم با قیمت‌گذاری دستوری حل می‌شود. کسی در این میان نیست که با یک تصمیم مسئله را حل کند. الان حتی پتروشیمی‌ها نیز دچار مشکل‌اند و مرتب ادعا می‌کنند که تصمیمی در رابطه با کارشان گرفته نمی‌شود.

مصباحی‌مقدم: امر به معروف فقط با زبان است

غلامرضا مصباحی‌مقدم عضو مجلس خبرگان و عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام در واکنش به ماجرای ریختن ماست روی دخترتان به رویداد ۲۴ می‌گوید: در آیات این جمله آمده که «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ» که یعنی باید از میان شما، گروهی باشند که مردم را دعوت به خیر کنند. پس امر به معروف دعوت به خیر است. یعنی گروهی باشند که برای مردم خیرخواهی کنند، به منظور گسترش خیر و نیکی در جامعه، عده‌ای مصلح، دلسوز و آگاه باشند نسبت به دعوت به خیر. به گزارش رویداد ۲۴ مصباحی‌مقدم می‌گوید: وظیفه مردم در امر به معروف و نهی از منکر این است که اگر کسی انجام معروفی را فراموش کرده را به او تذکر دهند و اگر کسی منکری را انجام می‌دهد، به او نیز تذکر دهند. علاوه بر مردم، یک وظیفه‌ای هم بر گردن حکومت است که بسترسازی و پیاده کردن خیرات است؛ یعنی فراهم کردن شرایط برای هدایت شدن مردم به سمت خیر است. او با بیان اینکه اولین گام آموزش و تبیین است، تصریح کرد: حاکمیت باید معروف‌ها، منکرها و زشتی‌ها را برای مردم روشن و مشخص کند. معروف‌ها مسائلی هستند که برای مردم نیز خواستنی و شناخته شده است. مانند دعوت به راست‌گویی، امانت‌داری، صداقت و خیرخواهی. معروف یعنی هر کار خیری که عقل هم آن را خیر می‌داند و نهی از منکر یعنی هر آنچه که انسان‌ها آن را به طور فطری منکر و زشت می‌شناسند. عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌گوید: کار انبیا به معروف و نهی از منکر است. انبیا با دار و درفش با مردم روبه رو نشدند که آن‌ها را امر به معروف کنند و از روی دلسوزی با مردم رو به رو شدند و تمام همت‌شان این بود که مردم را به خیر دعوت کنند. عامه مردم فقط با زبان می‌توانند مردم را امر به معروف کنند. افتاح یعنی نشستن و گفتن و توضیح دادن. ضمناً امر به معروف تا آنجایی برای مردم تکلیف است که امکان اثرگذاری وجود داشته باشد و اگر احتمال اثرگذاری نمی‌دهد، امر به معروف و نهی از منکر واجب نیست. کسی که امر به معروف می‌شود فقط شنونده است و نیازی به جواب دادن ندارد و اگر تأثیر پذیرفت خودش آن معروف را انجام می‌دهد. امر به معروف پس از تذکر حتی نباید بایستد و ببیند که این امر به معروفی که انجام داده اثر گذاشته یا نه؛ چه برسد به آنکه بخواهد به کسی بگوید کند یا نه او حمله کند.

یادداشت

از کرونا تا بی‌حجابی

حسن دادخواه: به یاد داریم که با گسترش ویروس کرونا، دولت وقت کوشید تا با محدود کردن اجتماعات، زنجیره گسترش این ویروس را قطع و به نوعی آن را به کنترل درآورد. کنترل اجتماعات، البته به مشاغل آزاد و کسب و کارها ضربه فراوانی زد، که هنوز و پس از دو سال از رفع نسبی خطرات کرونا، همچنان بسیاری از مشاغل آزاد نوانسته‌اند به وضعیت پیش از کرونا بازگردند.

محدودیت در برپایی اجتماعات، مناسک و عبادات جمعی و زیارتگاه‌ها نیز راه‌گریز دیگری بود که توانست در کنترل کرونا کمک کند. به‌رغم اینکه اجتماعات مذهبی و مناسبتی حتی در بیت‌مقام معظم رهبری در سراسر دوره جولان ویروس کرونا، کاملاً تعطیل شده بود، ولی دسته‌هایی از متدینان و روحانیان در برابر تعطیلی زیارتگاه‌ها و اجتماعات مذهبی همچنان مقاومت می‌کردند و خاموشی و کم‌روزی اجتماعات مذهبی را نشانه و موجب تضعیف ایمانیات جامعه و مردم می‌دانستند.

به هر حال، کرونا یک ویروسی بود که تندرستی و حیات افراد جامعه را به مخاطره انداخته بود و همه افراد از وجود این غول ویرانگر متنفر بودند و مبارزه با آن را به کمک دولت وقت، در اولویت زندگی خویش قرار داده بودند. ویروس کرونا، یک مهمان ناخوانده‌ای بود که اجباراً و بدون رضایت مردم، جوامع جهانی را درنوردید و کشته‌های زیادی از حمله خود به جا نهاد.

چندی پیش حاج شیخ محسن اراکی از اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام و از روحانیان سرشناس، مردم و دولت را به مبارزه جدی با «بی‌حجابی» فراخواند و از همگان خواسته است که همانند مبارزه با کرونا، این بار با «بی‌حجابی» مبارزه کنند.

نباید از نظر دور داشت که احتمالاً یکی از علل شکست و کم‌تأثیر شدن تبلیغات و موعظ در دعوت به رعایت حجاب و مبارزه با بدحجابی، شناخت ناقص و معیوب مبلغان و برخی خطیبان دینی از پدیده بدحجابی است. نگارنده این یادداشت، بدون اینکه بخواهد در اینجا مواافت یا مخالفت خود را در باره حجاب و بدحجابی ابراز کند، به یکسان بنداشتن «ویروس کرونا» و پدیده بی‌حجابی» انتقاد می‌کند. تفاوت این دو پدیده بسیار روشن است. بی‌حجابی یا بدحجابی نوعی رفتار است که با آگاهی کامل و خواست و میل افراد همراه است و به نوعی یک «انتخاب» است هر چند که ممکن است فرد بی‌حجاب و بدحجاب به موازین شرعی و با زبان‌های اجتماعی و اخلاقی آن، اطلاعی نداشته باشد. بر این پایه، مبارزه با بی‌حجابی و بدحجابی، مبارزه با خواست و میل دسته‌هایی از افراد جامعه است و با مبارزه با کرونا تفاوت اساسی دارد. خواست و میل بخشی از زنان جامعه و انتخاب نوع پوشش از یکسو و پافشاری حکومت و کارگزاران و روحانیان بر رعایت حجاب و نوع خاصی از پوشش به هر حال، از فردای پس از انقلاب اسلامی تاکنون هر از چندی به سطح توجه و تمرکز جامعه و رسانه‌ها و سخنرانی‌ها و مصاحبه‌ها کشیده شده و به‌طور کج‌دار و مریز ادامه دارد. به گزارش نیست اگر اعتراف کنیم که هیچ پدیده اجتماعی مانند بدحجابی و بی‌حجابی مورد توجه و مخالفت حکومت و روحانیان داخل در دستگاه‌های رسمی نبوده است. این در حالی است که جامعه ایران از پدیده‌های شوم و خانمان‌سوزی در حوزه امور اقتصادی و معیشتی و رفتاری رنج می‌برد. تأکید موکد اخیر بر رعایت حجاب و مبارزه با بی‌حجابی تا پیش از فرارسیدن فصل تابستان و اعلام مواضع متفاوت و شدید و غلیظ متاسفانه در دنباله همان روند اشتباهی است که در چهار دهه پس از انقلاب ثمره و نتیجه ملموسی نداشته است.

به نظر می‌رسد که تصویب جریمه‌های مالی و محروم کردن افراد بی‌حجاب و بدحجاب از حقوق اجتماعی و تصویب قوانین سخت‌گیرانه بدون جلب اعتماد شهروندان و رفع معضلات معیشتی و شغلی و رفاهی آنان و بدون تقویت دوستی دو سویه میان مردم و حاکمیت، راه به جایی نمی‌برد.

یادداشت

ناکارآمدی تمام عیار

محمدجواد پهلوان: در روزهای پایانی سال گذشته در سخنرانی‌ها و یادداشت‌هایم همواره اظهار امید می‌کردم که سال جدید، سال آرام و خوبی حداقل از لحاظ معیشتی برای مردم باشد. خیلی‌ها هم مثل بنده قطعاً چنین آرزویی داشتند، ولی چه سود که در همان ساعات ابتدایی سال، دولت سیزدهم با عملکرد پر نقص خود اجازه نداد حداقل برای چند روزی جامعه علی‌الخصوص جامعه فرهنگی کشور در آرامش باشد.

نحوه واریز حقوق معلمان و حواشی پیرامون آن در حقیقت یک آبروریزی بزرگ برای دولت ابراهیم رئیسی بود. نکته جالب این است که در تمام دولت روحانی هم از مقامات از واریز به موقع حقوق‌ها به عنوان کاری بزرگ از سوی دولت وقت یاد کرده بود، طرفداران امروز ابراهیم رئیسی به او حسن روحانی تاختند که چرا چنین گفته شده و دلیل این منت‌گذاری برای چنین کار پیش یا افتاده ای چیست؟ البته که آن مقام دولت روحانی هم حرف بی‌جایی مطرح کرده بود، ولی جالب این است که دولت سیزدهم و اطرافیانش نشان دادند که از پس واریز یک حقوق ساده و مختصر هم بر نمی‌آیند.

بنده یقین دارم حتی طرفداران دواتشده این دولت نیز حداقل در خفا به این نتیجه رسیده‌اند که کارآمدی این دولت به شدت زیر سوال است. دولت فعلی مملو از مدیرانی شده که صرفاً اهل غلو هستند و خروجی خاصی نیز ندارند. هر گوشه از دولت را که می‌نگرید همین بساط است و به واقع سطح توقعات تا حد واریز به موقع حقوق‌ها پایین آمده است.

قبل از آنکه این وجیزه را قلمی کنم قصد داشتم با محوریت لزوم استعفا‌ی وزیر آموزش و پرورش و رئیس سازمان برنامه‌مطلب را به پایان ببرم ولی وقتی تامل بیشتری کردم به این نتیجه گزاره بالا رسیدم زیرا تقریباً هیچ‌کجای این دولت نکته مثبتی ندارد که بخواهیم حالا دم از استعفا‌ی بخشی از آن بزنیم.

چه بسا شخص ابراهیم رئیسی نیز دریاخته که میان تولیت حرم مطهر و قوه قضاییه با قوه مجریه یک کشور بزرگ تفاوت اساسی وجود دارد. در نهادها و دستگاه‌هایی مثل عدلیه شما با دستور می‌توانید بسیاری از مشکلات را برطرف کنید، ولی در دولت چنین نیست. هیچ‌یک از شاخص‌های مهم اقتصادی واجتماعی با دستور جابه‌جا نمی‌شوند. حضور در راس قوه مجریه نیازمند درایت، تدبیر، علم، تجربه و تعامل است.

بسه عنوان مثال بسه تازگی این دولت متوجه شده که سیاست خارجی چیزی جز تعامل دوسویه و مثبت نیست و نمی‌توان با دستور و شعار به مراد رسید. در حوزه‌های حیاتی دیگر نیز همین است. ای کاش حضرات پیش از این مردم را به درس نیندازند. تقریباً تمام جامعه از اتفاقی که برای معلمان در ابتدای سال رقم خورد و هنوز هم تداوم دارد ناراحت، ناامید و خشمگین بودند. اگر چه کناره‌گیری وزیر آموزش و پرورش یک واکنش طبیعی و جزئی به این ناتوانی است، اما به نظر نمی‌رسد که کافی باشد و بتوان به وسله آن این ناکارآمدی را لا‌پوشانی کرد.

سر مقاله

مشکل آموزش و پرورش، وزیر نیست

فضل‌الله یاری: آموزش و پرورش در سه دهه اخیر، بیش از آن که وزارتخانه‌ای برای تربیت کادر اداره کشور به نظر برسد در نگاه برخی متولیان کشور به «معضل» شبیه‌تر است تا یک نهاد ساختاری. رفت‌وآمد دولت‌ها و تغییر بی‌دری وزرای این وزارتخانه عریض و طویل هیچ تغییری در وضعیت آن ایجاد نکرده است؛ چنانچه تغییرات دولت‌ها و متولیان امور نظامی هیچ تأثیری در وضعیت صنعت هسته‌ای و موشکی کشور ایجاد نکرده است. این مقایسه از آن نظر انجام شده تا مشخص شود که وضعیت کنونی آموزش و پرورش کارنامه جمهوری اسلامی است، نه دولت‌های اصلاحات، بهار، تدبیر و امید و دولت سید محرومان. (البته این گزاره سبب پوشاندن ضعف‌های ساختاری دولت سید ابراهیم رئیسی نخواهد بود؛ دولتی در که نیمه راه بارها با فشار افکار عمومی، نمایندگان مجلس و هواداران خود مجبور به ترمیم خود شده است.)

با این گزاره است که مشکلات آموزش و پرورش کشور دیگر به ضعف و ناکارآمدی وزیر یا دولت متبوع و تقلیل نمی‌یابد. نظام سیاسی کشور نشان داده است که آموزش و پرورش ایران، جایگاهی متناسب با آنچه که در نظام‌های سیاسی پیشرفته جهان از آن برخوردار است، ندارد و یا دست‌کم نسبتی با شعارهای فرهنگی و اخلاقی نظام سیاسی کشور ندارد. از همین منظر نیز روسای جمهور چند دهه اخیر برای نشانیدن مهره‌های خود در وزارتخانه‌های کلیدی کشور همواره از آن به عنوان کاری برای بازی و معامله با جناح‌ها و نهادهای قدرتمند کشور استفاده کرده‌اند. از این رو همیشه وزارت آموزش و پرورش وجه‌المصالحه بازی‌های سیاسی قرار می‌گرفته است. از همین منظر انتخاب وزیر برای این وزارتخانه مهم بیش از آن که تابع ملاک‌های بنیادی باشد، با ملاک‌هایی سیاسی و جناحی صورت می‌گرفت. همین موضوع سبب می‌شد که معمولاً وزیر انتخاب شده با ملاک‌های مورد نظر معلمان، اهالی فرهنگ و دانش هماهنگ نباشد و بیش از آن که مدافع وضعیت زبردستان خود باشد، مدافع نظام سیاسی و جناح متبوع خود باشد.

این وضعیت روز گذشته بهتر خود را نشان داد. در حالی که وزیر ناکارآمد آموزش و پرورش کناره گرفته‌بود، این وزارتخانه در اطلاعیه‌های تهدیدآمیز خطاب به دانش‌آموزان دختر - که هنوز نتوانسته است امنیت آن‌ها را در کلاس‌های درس تأمین کند - اعلام کرد که «از ارائه خدمات آموزشی به معهود دانش‌آموزانی که قوانین و مقررات پوششی در مدارس را رعایت نکنند، معذور خواهد بود» این در حالی است که در طول ۴ دهه اخیر این دستگاه عریض و طویل امکان فرهنگ‌سازی را به گسترده‌ترین شکل ممکن در اختیار داشته است، اما با وجود ده‌ها وزیر از جناح‌های مختلف سیاسی در این امر مهم ناتوان بوده است. اتفاقی که به خوبی نشان دهنده این وضعیت است که مشکل وزارت آموزش و پرورش ایران، وزیر نیست که با تغییر آن بتوان تغییری در شرایط فرهنگی کشور ایجاد کرد. مشکل عمده‌ای که در این زمینه خود را نشان می‌دهد نگاه معیوب نظام سیاسی به این وزارتخانه است؛ نگاهی که بر اساس آن تربیت شاگردان این نظام آموزشی باید طابق‌التمل بالتمل پیرو نظام سیاسی باشند و با آن هیچگونه زاویه‌ای نداشته باشند. مسأله‌ای که با بررسی اعتراضات سال گذشته و مسمومیت‌های مشکوک سریالی در مدارس دخترانه به برخی گمانه‌زنی‌ها مبنی بر دست داشتن نظام سیاسی در این مسمومیت‌ها دامن زد و رسانه‌ها و مراجع رسمی را وادار به توضیح در این باره کرد. با این تفاسیل مشخص است که با وجود این نگاه معیوب به آموزش و پرورش، تغییر وزیر که سهل است، تغییر دولت نیز نمی‌تواند برای این وزارتخانه و رشکسته نتیجه‌بخش باشد.